

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۲۸، پیاپی ۱۱۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۰۹-۱۸۵

تحلیل مضمونی اخبار خوارج عصر امویان (۱۳۲-۴۱) در منابع تاریخی اصحاب حدیث^۱

محمدحسین کاظمی^۲، زهرا روح الهی امیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با درک ارزشمندی میراث تاریخی اصحاب حدیث و اثرگذاری آن در ذهن مخاطبان این آثار در موضوع خوارج عصر اموی و با هدف کشف شبکه مضمونی موجود در این متون و برای رسیدن به الگویی که توضیح دهنده منطق کلی و شاکله آن‌ها باشد، تلاش می‌کند تا به سؤال «اصحاب حدیث در ثبت اخبار خوارج چه مضامینی را به مخاطبان ارائه می‌کنند؟» پاسخ دهد. برای یافتن این پاسخ ابتدا به مطالعه میراث تاریخی اصحاب حدیث در این زمینه پرداخته شد و از میان آثار موجود، تاریخ خلیفه بن خلیف (ابن خیاط ۲۴۰ق)، بقایای کتاب المعرفه و التاریخ (فسوی ۲۷۷ق)، تاریخ الامم و الملوک (طبری ۳۱۰ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، (ابن جوزی ۵۹۷ق) انتخاب شد و داده‌های مرتبط با اخبار خوارج از میان آنان استخراج و سپس با روش تحلیل مضمون و اجرای مراحل مختلف آن، داده‌ها تحلیل و مضامین نهفته در منابع منتخب کشف شد که چهار مضمون فراگیر خوارج جریانی سیاسی - مذهبی و عملگرا، تهدیدات دائمی خوارج برای حکومت، سرکوب خوارج با هزینه‌های هنگفت و اسلامی بودن سرکوب خوارج یافت شد که این مضامین با توجه به رویکرد اصحاب حدیث به خلافت، در راستای مشروعیت بخشی به رفتار امویان در قبال سرکوب خوارج است.

کلیدواژه‌ها: اصحاب حدیث، خوارج، امویان، تحلیل مضمون، تاریخ نگاری.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2022.40760.1613

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088841.1400.31.28.7.4

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
kmohamadhosein@ymail.com

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. z.rooholahiamiri@yahoo.com

مقدمه

اصحاب حدیث یا به تعبیر دیگر اهل حدیث، یکی از جریان های کهن و گسترده جهان اسلام بودند که در ثبت و ضبط روایات و احادیث از قرن دوم به این سو نقش مهمی داشتند. شخصیت های برجسته این گروه در نگارش و تدوین منابع تاریخ اسلام تأثیر فراوانی داشتند و مورخان صاحب نام در قرون سوم تا پنجم بیشتر از این جریان برخاستند. آثار تاریخی اصحاب حدیث از بدو نگارش تا زمان حاضر مدنظر مورخان و پژوهشگران تاریخ اسلام قرار داشته، به گونه ای که محققان تاریخ اسلام در تحقیقات خود ناگزیر به مطالعه دقیق آثار مورخان این جریان هستند و به عبارت دیگر متون باقی مانده از این جریان زیربنای اصلی مطالعات و پژوهش های تاریخی صدر اسلام را تشکیل می دهد و پژوهشگران خواسته یا ناخواسته در معرض سیمایی از تاریخ صدر اسلام هستند که به وسیله این جریان به صورت مکتوب درآمده است.

پژوهش پیش رو با درک ارزشمندی میراث تاریخی اصحاب حدیث و اشراف به این مسئله که گزارش های تاریخی اصحاب حدیث از صدر اسلام شاکله اصلی ارائه تصویر آن دوران در ذهن پژوهشگران است می کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) نشان دهد که اصحاب حدیث در آثار خود چه مضامینی به مخاطبان خود ارائه می کنند. برای رسیدن به این مهم عصر امویان انتخاب شده و با توجه به اینکه بخش ارزشمندی از اخبار عصر امویان مربوط به خوارج این دوره است، این پژوهش با موضوع خوارج ساماندهی شد. اما اهمیت پرداختن به خوارج تنها در حجم اخبار موجود در منابع تاریخی خلاصه نمی شود؛ بلکه اهتمام امویان به خوارج و صرف هزینه های مالی و انسانی آنان برای سرکوب این جریان، اهمیت این مسئله را مضاعف می کند. مسئله دیگر در وجه اهمیت پرداختن به خوارج قوام این جریان سیاسی - مذهبی در عصر اموی است که در برابر دو گفتمان اموی و علوی صف آرایی کردند ضمن نفی و هر دو گفتمان و تکفیر پیروانشان خود مدعی ایجاد حکومت اسلامی و تعیین فردی به عنوان امیرالمؤمنین و جهاد برای تحقق حکومت مدنظرشان شدند.

با توجه به آنچه گذشت این پژوهش در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که «اصحاب حدیث در ثبت اخبار خوارج چه مضامینی را به مخاطبان ارائه می کنند؟» داده های این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای گردآوری شده و در تحلیل داده ها از روش «تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) استفاده خواهد شد.

بیان روشمند مضامین ارائه شده و ویژگی های متمایز اصحاب حدیث در میراث تاریخی

باقی مانده از آنان که نشان‌دهنده اطلاعات مهم موجود در آثار آنان است به صورتی که امکان تحلیل و تفسیر مضامین ارائه شده آنان را داشته باشد و مشخص کند که آنان در آثار خود چه مضمون‌هایی را به مخاطب خود القا نموده‌اند، نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود که در پژوهش‌های تاریخی به آن پرداخته نشده است و می‌تواند افق‌های جدیدی در برابر پژوهشگران این عرصه قرار دهد.

اصحاب حدیث

جریان اصحاب حدیث که پیش از هر چیز جریانی کلامی بود در این پژوهش شامل آن دسته از عالمان سنی مذهب است که در برخورد با معارف دینی منابع نقلی از احادیث و آثار، زمینه اصلی مطالعات آنان قرار داشت و بر میراث بازمانده صحابه و تابعین و منابع روایی تکیه داشتند. ایشان طیفی از عالمان سنت‌گرا بودند که در قرن دوم در برابر اصحاب رأی صف آراسته و در منابع متأخر با عنوان عام «اصحاب حدیث» نام یافته‌اند؛ اما در عصر خود «اصحاب اثر» یا «اصحاب آثار» خوانده می‌شده‌اند. در نیمه نخست قرن سوم، اصحاب حدیث، با بار معنایی پیروان حدیث نبوی، مفهومی افتخارآمیز یافت و سنت‌گرایانی برجسته چون احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه خود و همفکرانشان را «اصحاب حدیث» خواندند (پاکتچی، ۱۳۷۹: ۱۱۴/۹). تکیه اصحاب حدیث بر آثار بیش از هر چیز نشان می‌دهد گذشته برای آنان موضوعی مهم و مقوله‌ای نیرومند بود؛ زیرا که گذشته‌الگویی برای حال در نظر گرفته می‌شد (آقاجری و حاتمی، ۱۳۹۳: ۷) و اصحاب حدیث نیز بر پایه آن آموزه‌های متنوعی را در زمینه اصول عقاید، اخلاق، تفسیر قرآن، فقه و آداب فردی و اجتماعی ترویج می‌کردند. در این تحقیق افرادی که از مکتب این عالمان بهره‌مند بوده یا به‌نوعی تأثیر گرفته‌اند یا اینکه در دوره‌ای از حیات علمی خود به آن وابستگی داشته‌اند مدنظر است.

مسئله مهم دیگر درباره ارتباط اصحاب حدیث نحوه‌گزینش افراد شاخص این جریان و تألیفات آنان است. گفته شد که این جریان در آثار خود بر روایات و اخبار تکیه داشتند و بدیهی است که حجم انبوهی از اخبار خوارج عصر امویان در میان آثار ایشان مشاهده می‌شود، اما با توجه به اینکه تحقیق پیش رو یک پژوهش در موضوع تاریخ‌نگاری است، ما افرادی را برای مطالعه انتخاب کردیم که در تألیفات تاریخی نام آور بودند و در میان آثار این افراد منتخب نیز تألیفات مشهور آنان در موضوع تاریخ که درباره عصر امویان بحث کرده باشد مدنظر است و به همین علت از آثار ایشان در زمینه‌های فقه، حدیث، تفسیر، طبقات و تراجم چشم‌پوشی می‌شود و با توجه به شاخص‌های بیان‌شده که همانا تکیه بر احادیث در برخورد با معارف دینی و تألیف آثار تاریخی شامل عصر اموی است در نهایت آثاری چون تاریخ

خلیفه بن خیاط (ابن خیاط ۲۴۰ق)، بقایای کتاب المعرفه و التاريخ (فسوی ۲۷۷ق)، تاریخ الامم و الملوک (طبری ۳۱۰ق)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک (عبدالرحمن بن جوزی ۵۹۷ق) بررسی می‌شود، اما خلیفه بن خیاط و فسوی به‌عنوان صاحبان دو اثر کهن تاریخی از این جریان هستند، طبری هرچند در فقه ملاحظاتی در تعدیل مکتب اصحاب حدیث داشته (پاکتچی، ۱۳۷۹: ۹/ ۱۱۴) اما با تألیف کتاب السنه در کلام دلبستگی خود را به این جریان نشان می‌دهد و ابن جوزی به‌عنوان میراث بر اصحاب حدیث انتخاب شده‌اند تا به این ترتیب آثاری از این جریان در طول سوم تا ششم مطالعه شود.

گره خوردن مسائل اعتقادی با تاریخ‌نگاری امری است که به‌عنوان پیش‌فرض در این پژوهش به آن توجه شده، اما به‌طور عام با توجه به آنکه نوشتن رخدادهای تاریخی بدون داشتن بن‌مایه نگرشی یا بینش تاریخی ممکن نیست، بنابراین تاریخ‌نگاری مورخان را بدون شناخت رویکرد آنان به تاریخ و باور آنان نسبت به مفهوم تاریخ، نمی‌توان مطالعه کرد. کار مورخی را نمی‌توان کامل فهمید یا قدر شناخت، مگر اینکه ابتدا نقطه نظری که اساس برداشت او بوده را درک کنیم. به همین علت لازم است تا برخی از باورهای اصحاب حدیث را که با موضوع خوارج گره خورده مرور کنیم.

با توجه به درگیری دائمی خوارج در عصر اموی با حکومت لازم است تا موضع اصحاب حدیث درباره خلافت و نسبت مردم با آن روشن شود. فرضی که در باور اصحاب حدیث پیرامون خلیفه مسلمانان است اینکه هرگاه مسلمانان با کسی به‌عنوان متولی امور خود عقد بیعت منعقد کنند، وی خلیفه نامیده می‌شود، همچنین خلیفه رسول خدا نیز نامیده می‌شود، زیرا چنین کسی جانشین رسول الله (ص) در میان امت اوست (ابن فراء حنبلی، ۱۴۲۱: ۲۷). مردم باید از این خلیفه چه ظالم باشد چه درستکار اطاعت کنند و اگر کسی بر امام مسلمین خروج کند با جماعت مسلمانان و تعالیم پیامبر (ص) مخالفت کرده و اگر بمیرد به مرگ جاهلی مرده است. جنگ و خروج با سلطان بر احدی از مردم جایز نیست و هر کس چنین کند بدعت‌گذار و خارج از سنت است. نبرد با خوارج نیز جایز بوده و تعقیب آنان بر عهده خلیفه یا والیان مسلمان است (لالکائی به نقل از احمد بن حنبل، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۵۳-۱۵۲) و لازم است تا مردم با او همراهی کنند (صابونی، ۱۴۱۹: ۲۹۴). باور دیگر اصحاب حدیث که ارتباط تنگاتنگی با فقه این جریان و تعیین احکام شرعی برای مسائل دارد، بحث اجماع است (پاکتچی، ۱۳۷۹: ۹/ ۱۱۵-۱۲۱). طبری در بحث اجماع آن را توافق جمهور بر یک حکم معرفی می‌کند (ابن حزم، ۱۴۰۳: ۴/ ۱۴۵) که این اعتقاد نیز با توجه به همراهی اقشار مختلف مسلمانان در سرکوب خوارج در خور توجه است.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۱۸۹

این باورها در نهایت سبب می‌شود تا تاریخ‌نگار بنا بر اهمیت مسئله طراحی را بر اساس پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک خود سامان دهد و نسبت به تنظیم داده‌ها در حول روش امویان در انجام این وظایف محول شده و انطباق آن بر دین و شرایع اسلام به انجام رساند. اینکه تا چه اندازه این پیش‌فرض‌ها در تنظیم این داده‌ها تأثیر گذاشته و نوع داده‌ها در قالب خاصی قرار داده ابتناء پژوهش حاضر خواهد بود.

اموی

منظور ما از اموی و عصر اموی در این پژوهش دولت امویان است که معاویه بن ابی‌سفیان در سال ۴۱ق آن را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۲ق ادامه داشت.

خوارج

خوارج به کسانی گفته می‌شود که بر علیه امام (حاکم) بر حقی که مردم بر او متفق شده‌اند قیام کند. این واژه نخستین بار به گروهی از مسلمانان اطلاق شد که در اثنا و پس از جنگ صفین و قضیه حکمیت بر امام علی(ع) خروج کردند (شهرستانی، ۱۴۱۴: ۱۳۲؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ۷/۵) و پس از ایجاد ناامنی جنگ نهروان را به وجود آوردند. بازماندگان این گروه چندی پس از شکست در جنگ نهروان، بر پایه آراء خود جریان اجتماعی، سیاسی، نظامی و اعتقادی خاصی را پدید آوردند (ناجی، ۱۳۹۰: ۲۵۷) که تکفیر دیگران و خروج بر حاکم جائر از آن جمله بود. آنان در طول زمان به شاخه‌های متعدد تقسیم شده و افتراق‌هایی میان‌شان پدید آمد (بغدادی، ۱۴۰۹: ۷۲).

در تحقیق حاضر از روش «تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) استفاده شده است که روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

این روش برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. تحلیل مضمون در کمترین حالت، مجموعه داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی و شرح می‌دهد و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌کند. تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان

یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۵۳/۱). مضمون در این روش غالباً به‌مثابه الگویی است که مبین نکته جالبی درباره موضوع تحقیق است و با استفاده از شعور متعارف شناخته می‌شود (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۹). به‌عبارت دیگر مضمون یا تم (Theme) ویژگی تکراری و متمایز در متن است که نشان‌دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و درک خاصی در رابطه با سؤالات پژوهش و الگویی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها یافت شده و به توصیف و سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۵۴/۱). به همین علت شناخت مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع در نحوه شناخت مضامین تأثیر می‌گذارد؛ اما برای شناخت مضمون باید مسائلی را در نظر داشت:

اول: شناخت مضمون هرگز به معنی صرفاً یافتن نکته جالبی در داده‌ها نیست، بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر مشخص کند در داده‌ها باید دنبال چه چیزی باشد، از چه چیزهایی باید صرف‌نظر و چگونه داده‌ها را تحلیل و تفسیر کند؟ در واقع مضمون شناسایی شده باید نقش مهم و برجسته‌ای در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد.

دوم: واژه مضمون به‌طور ضمنی و تا حدی، مبین تکرار است و لذا مسئله‌ای را که صرفاً یک‌بار در متن داده‌ها ظاهر شود نمی‌توان مضمون به حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به‌طور معمول، تکرار به‌معنی مشاهده و ظاهرشدن در دو یا چند مطلب در متن است.

سوم: مضمون‌ها باید از یکدیگر متمایز باشد. با وجود اینکه هم‌پوشانی در میان مضامین مختلف اجتناب‌ناپذیر است، اما اگر مرز کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای میان مضامین وجود نداشته باشد، نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها عرضه کرد (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶: ۶۱/۱؛ شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

محققان در تحلیل مضمون از ۴ روش بهره برده‌اند (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۶۵) که روش شبکه مضامین (Network Thematic) یکی از آن‌هاست و در این پژوهش از آن استفاده شده است.

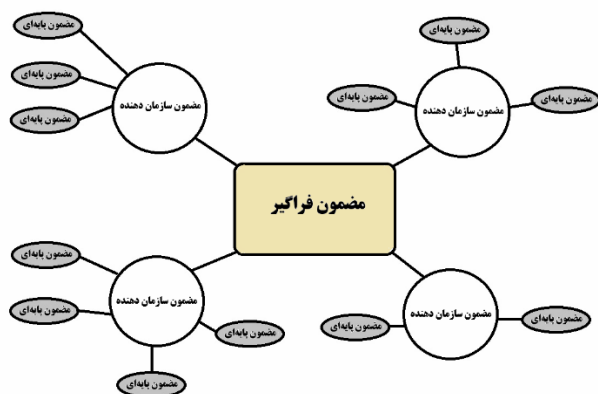
این روش را «آتراید - استرلینگ» (Attrid-Stirling) توسعه داده و آنچه که عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده

اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه‌تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که یک شبکه‌مضمونی ابزار و تصویری برای تفسیر متن است و نتایج حاصل از آن متن را برای محقق و خوانندگان روشن می‌کند (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

در تحقیق پیش رو مراحل انجام این روش برای کشف شبکه‌مضامین خوارج در منابع تاریخی اصحاب حدیث مرحله‌به‌مرحله انجام می‌شود.

در اجرای این روش ابتدا روشن‌ترین اخبار مربوط به خوارج گردآوری شده و پس از طی فرایند تحلیل مضمون تلاش شد تا به مفاهیم دارای سطح‌بندی برسیم. منظور از سطح مفاهیم آن است که برخی از مضامین که مهم‌تر هستند در جایگاه مرکزی قرار بگیرند و سایر مضامین نیز پیرامون آنان سازماندهی شوند که در نتیجه توصیفی غنی از مجموعه داده‌ها به دست می‌آید و شبکه‌مضامین اخبار خوارج در منابع اصحاب حدیث روشن می‌شود.

در این پژوهش تلاش شد تا توصیفی غنی و جامع از کل داده‌ها عرضه شود، به‌گونه‌ای که خواننده بتواند مضامین مهم یا برجسته‌مجموع این اخبار را بشناسد. همچنین مضامین به روش استقرایی (مبتنی بر داده) شناسایی می‌شوند که به‌شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند (Patton, 1990: 85) و تحلیل نیز بر اساس همین داده‌ها انجام می‌شود. مطلب دیگری که در این پژوهش مدنظر قرار داشته این است که مضامین در سطح مشهود، با توجه به معانی ظاهری داده‌ها شناخته شده است و در مقام تحلیل به دنبال چیزی فراتر از آنچه در متن وجود دارد نبوده‌ایم (شیخ‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۴).



نمودار ۱. نمونه‌ای از اجزای شبکه‌مضمونی (Attrid-Stirling, ۲۰۰۱: ۳۸۸)

مضامین مرتبط با خوارج در آثار تاریخی اصحاب حدیث

۱. استخراج مضامین پایه‌ای از متن

در روش تحلیل مضمونی ابتدا از متن اصلی که در اینجا منابع تاریخی اصحاب حدیث است مضمون‌های پایه‌ای استخراج و در قالب کدهایی ساماندهی می‌شود. هر یک از اخبار مربوط به خوارج دارای مضمونی است که با خواندن آن به ذهن متبادر می‌شود و به آن مضمون پایه‌ای گویند. در این قسمت برای هر مضمون پایه‌ای یک خبر را از میان اخبار مربوط به این مضمون به‌عنوان نمونه انتخاب کرده و در جدول ۱ آورده شد.

جدول ۱. استخراج مضامین پایه‌ای از منابع منتخب اصحاب حدیث (منبع: نگارندگان)

ردیف	نمونه عبارت	نمونه منابع	مضامین پایه‌ای
۱	«سال ۴۲» ان الخوارج فی ایام المغربین شعبه فزعوا الی ثلاثه نفر، منهم المستورد بن علفه التیمی من تیم الرباب، و الی حیان بن ظبیان السلمی و الی معاذ بن جوین بن حصین الطائی السنبسی. [طبری، ۱۳۸۷: ۱۷۴/۵]	خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۲۴ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۵۳/۷	تعدد قبایل سران خوارج
۲	«سال ۴۱» قد جاء الان ما لا شک فیہ، فسیروا الی معاویه فجاهدوه. [طبری، ۱۳۸۷: ۱۶۶/۵]	خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۷۱ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۷۷/۷	شورش‌های متعدد از ابتدا تا انتهای عصر اموی
۳	«سال ۶۵» ثم التقوا فاضطربوا، فاقتتل الناس قتالا لم یر قتال قط أشد منه. [طبری، ۱۳۸۷: ۶۱۴/۵]	خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۷۲ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۴۱/۶	نبردهای سخت
۴	«سال ۷۷» ثم قاتلهم المهلب ثمانیه عشر شهرا. [ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹۴/۶]	طبری، ۱۳۸۷: ۳۰۳/۶ طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۹/۷	نبردهای طولانی
۵	«سال ۴۱» فنخرج اهل الکوفه الی الخوارج فقاتلوهم. [طبری، ۱۳۸۷: ۱۶۶/۵]	خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۵۹ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴۳/۶	همراهی مردم در سرکوب خوارج
۶	«سال ۱۲۸» وجه مروان یزید بن عمر بن هبیره الی العراق لحرب من بها من الخوارج. [ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۶۶/۷]	طبری، ۱۳۸۷: ۱۶۷/۵ خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۲۴	رهبری و نظارت خلیفه بر سرکوب خوارج

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۱۹۳

مهارت نظامی نیروهای حکومت	طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۱/۶ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۶	[سال ۱۲۹] «قاتلهم مروان بعد ذلك بالكراديس، و ابطل الصف منذ يومئذ، و جعل الآخرون يكردسون بكراديس مروان كراديس تكافئهم و تقاتلهم.» [طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۹/۷]	۷
خدا خوارج را سرکوب کرد	طبری، ۱۳۸۷: ۵۵۵/۶ طبری، ۱۳۸۷: ۱۲۰/۶	[سال ۷۷] «ثم إن الله تعالى قتلهم فلم ينج منهم إلا القليل.» [ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹۴/۶]	۸
آگاهی از تحرکات خوارج	طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۶/۶ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۶	[سال ۴۳] «فبلغ خبرهم الى المغیره بن شعبه.» [ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۰۱/۵]	۹
توجه خوارج به اعمال عبادی	طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۳/۶ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۸۹/۶	[سال ۶۶] «و فيها حج نجده بن عامر.» [خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۶۴]	۱۰

۲. تبدیل مضامین پایه‌ای

پس از دست‌یافتن به مضامین پایه‌ای که در جدول ۱ مشاهده شد، باید مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر را با توجه به مضامین پایه‌ای به دست آورد. در این مرحله از تحلیل مضمونی باید تلاش کرد تا با سازماندهی مجدد مضامین پایه‌ای و ترکیب و تلخیص آن‌ها با یکدیگر، مضامین انتزاعی‌تری را به دست آورد (Stirling-Attrid, 2001: 388) تا به وسیله آن به مضمون‌های مهم‌تر و فراگیرتر رسید.

جدول ۲. استخراج مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر از مضامین پایه‌ای (منبع: نگارندگان)

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	تجهیز خوارج با اموال حکومت یا مردم [غنائم]	توانایی نظامی خوارج	
۲	توانایی خوارج در حرکت نیروها		
۳	توانایی خوارج در طراحی و اجرای نقشه نظامی		
۴	مهارت نظامی فردی خوارج		
۵	سرسختی خوارج در جنگ		
۶	تخریب مسیر حرکت لشکر		

خوارج جریانی سیاسی - مذهبی و عملگرا	حکومت	۷	آرایش نظامی خوارج
		۸	آگاهی خوارج از اوضاع
		۹	فرصت طلبی خوارج در نبرد
		۱۰	کمی نیرو
		۱۱	پیروزی‌های فراوان خوارج
		مرامنامه اعتقادی خوارج	۱۲
	۱۳		تبعیت از شیخین
	۱۴		برائت از عثمان و امام علی (ع)
	۱۵		تکفیر دیگران
	رویکرد و رفتار دینی خوارج	۱۶	معامله خوارج با خدا
		۱۷	تقوا و جوانمردی خوارج
		۱۸	توجه خوارج به اعمال عبادی
		۱۹	استناد به قرآن در سخنان
		۲۰	آخرت‌گرایی و پرهیز از دنیاطلبی
		۲۱	شهادت طلبی خوارج
	زمینه‌سازی برای مبارزه با حکومت	۲۲	گفت‌وگوهای بی‌نتیجه میان خوارج و مخالفان
		۲۳	دعوت از دیگران برای قیام
		۲۴	ظالم دانستن حکومت
		۲۵	انتخاب رهبر توسط خوارج
		۲۶	فعالیت مخفیانه خوارج
		۲۷	برنامه‌ریزی برای قیام
		۲۸	تلاش برای اتحاد با دشمنان حکومت
		۲۹	تجلیل خوارج از گذشتگان خود
	عملگرایی	۳۰	اتخاذ تصمیم‌های جمعی
		۳۱	بیعت خوارج با رهبر به‌عنوان امیرالمؤمنین
		۳۲	جهاد علیه امویان
		۳۳	تأکید خوارج بر شعار حکمیت
		۳۴	فرماندهی جنگ توسط رهبر خوارج

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۱۹۵

تهدیدات دائمی خوارج برای حکومت	گسترده‌گی قلمرو شورش‌ها	حضور خوارج در مناطق مختلف ایران	۳۵
		حضور خوارج در مناطق مختلف عراق	۳۶
		حضور در مناطق مختلف جزیره	۳۷
		حضور در مناطق مختلف حجاز	۳۸
		مناطق دیگر مانند آفریقا، آذربایجان	۳۹
	حضور اقبشار مختلف در میان خوارج	تعدد قبایل سران خوارج	۴۰
		جذب خوارج از قبایل متعدد و افراد مختلف	۴۱
		حضور زنان در میان خوارج	۴۲
		وجود گرایش‌های مختلف خوارج	۴۳
	درگیری دائمی با خوارج	شورش‌های متعدد از ابتدا تا انتهای عصر اموی	۴۴
		نبردهای سخت	۴۵
		نبردهای طولانی	۴۶
	ایجاد هرج و مرج و ناامنی	هجوم به شهرها	۴۷
		ورود به شهرها	۴۸
		تسلط بر شهرها	۴۹
		قتل و آزار مردم توسط خوارج	۵۰
		ترس مردم از خوارج	۵۱
		ترس حکومت از خوارج	۵۲
		وجود اختلاف بین نیروهای حکومت	۵۳
		وجود اختلاف و درگیری میان خوارج	۵۴
		فرار لشکریان و مردم از خوارج	۵۵
		گزینش نیروها	۵۶
		استفاده از نیروهای کمکی	۵۷
		آرایش نظامی نیروهای حکومت	۵۸
مهارت نظامی نیروهای حکومت		۵۹	

سرکوب خوارج با هزینه‌های هنگفت	توانمندی حکومت در سرکوب	مقاومت سرداران و والیان حکومت	۶۰
		تعقیب خوارج توسط حکومت	۶۱
		آگاهی از تحرکات خوارج	۶۲
		توجه به قدرت نظامی خوارج	۶۳
	تبلیغات حکومت علیه خوارج	منهم کردن خوارج به ایجاد تفرقه	۶۴
		توهین امویان به خوارج	۶۵
		معرفی خوارج به‌عنوان دشمن مسلمانان	۶۶
		خروج شورشیان از دین	۶۷
		گمراه‌خواندن خوارج	۶۸
		تصرف اموال به‌عنوان غنیمت	۶۹
	تحمیل خسارات و تلفات به حکومت	کشته‌شدن فرماندهان در نبرد با خوارج	۷۰
		کشته‌شدن افراد سرشناس توسط خوارج	۷۱
		تلفات سربازان حکومت	۷۲
	سرکوب خشن خوارج	شکنجه و زندانی کردن خوارج	۷۳
		اعدام خوارج	۷۴
		قتل عام خوارج	۷۵
		قتل رهبران و بزرگان خارجی در جنگ	۷۶
		پیروزی بر خوارج	۷۷
	مدیریت سرکوب توسط خلافت	رهبری و نظارت خلیفه بر سرکوب خوارج	۷۸
		مدیریت والیان بر سرکوب مناطق خود	۷۹
		عاملیت سرداران در سرکوب	۸۰
		تأمین نیرو و تجهیزات توسط حکومت	۸۱
		تدارک لشکر فراوان توسط حکومت	۸۲
		مدارا و مذاکره با خوارج	۸۳
		تهدید مردم و لشکریان برای	۸۴

اسلامی‌بودن سرکوب خوارج	سرکوب خوارج		
	تشویق مردم و لشکریان برای سرکوب خوارج	۸۵	
	بازخواست و مذمت نیروهای ناموفق	۸۶	
	قدردانی و تشویق نیروهای وظیفه‌شناس و موفق	۸۷	
	همراهی اقبشار مختلف مسلمانان در سرکوب خوارج	همراهی مردم در سرکوب خوارج	۸۸
		مقابله قبایل با خوارج	۸۹
		حمایت بزرگان از سرکوب خوارج	۹۰
	رویکرد و رفتار دینی نیروها در سرکوب خوارج	توجه نیروهای حکومت به اعمال عبادی	۹۱
		استناد به قرآن در سخنان	۹۲
		خدا خوارج را سرکوب کرد	۹۳

۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با اخبار خوارج در منابع تاریخی اصحاب حدیث به چهار مضمون فراگیر می‌رسیم که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۱،۳. خوارج جریان سیاسی - مذهبی و عملگرا

اولین مضمون فراگیری که در این تحقیق به دست آمد، معرفی خوارج به‌عنوان جریانی سیاسی - مذهبی و عملگرا است که بر پایه پنج مضمون سازمان‌دهنده استوار است.

مرامنامه اعتقادی خوارج: در بررسی اخبار ثبت‌شده اصحاب حدیث به مضمون سازمان‌دهنده‌ای درباره اعتقادات خوارج می‌رسیم که مرامنامه اعتقادی نام گرفته و مشتمل بر مضامین پایه‌ای چون دعوت به کتاب و سنت (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۵۶۶-۵۶۵)، تبعیت از شیخین (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۵/۲۰۳)، برائت از عثمان و امام علی (ع) (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۵۷) و تکفیر دیگران (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۸۰/۶) است.

توانایی نظامی خوارج: توانایی نظامی خوارج یکی دیگر از مضامین سازمان‌دهنده‌ای بود که شامل مضامین پایه‌ای مانند تجهیز خوارج با اموال حکومت یا مردم [غنائم] (خلیفه، ۱۴۱۵:

(۲۵۱)، توانایی خوارج در حرکت نیروها (همان: ۱۷۲)، توانایی خوارج در طراحی و اجرای نقشه نظامی (طبری، ۱۳۸۷: ۳۱۱/۵)، مهارت نظامی فردی خوارج (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۷۳)، سرسختی خوارج در جنگ (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۶۷/۷)، تخریب مسیر حرکت لشکر حکومت (طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۴/۵)، آرایش نظامی خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۱/۶)، آگاهی خوارج از اوضاع (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۷۰/۶)، فرصت طلبی خوارج در نبرد (همان: ۱۸۰/۶)، کمی نیرو (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۳۵)، پیروزی‌های فراوان خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۶۱۳/۵) است.

رویکرد و رفتار دینی خوارج: در منابع بررسی شده اصحاب حدیث مضامین پایه‌ای مانند معامله خوارج با خدا (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۷۱)، تقوا و جوانمردی خوارج (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶۶/۶)، توجه خوارج به اعمال عبادی (طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۳/۶)، استناد به قرآن در سخنان (همان: ۳۹۹/۷)، آخرت‌گرایی و پرهیز از دنیاطلبی (همان: ۱۹۳/۵) و شهادت طلبی خوارج (همان: ۵۷۷/۶) به دست آمد که نشان‌دهنده رویکرد و رفتار دینی خوارج در قالب یک مضمون سازمان‌دهنده است.

زمینه‌سازی برای مبارزه با حکومت: مضمون سازمان‌دهنده دیگری است که خوارج را به‌عنوان یک جریان معرفی می‌کند و از مضامین پایه‌ای مانند گفت‌وگوهای بی‌نتیجه میان خوارج و مخالفان (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۵۷)، دعوت از دیگران برای قیام (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۰۳/۵)، ظالم دانستن حکومت (همان: ۱۷۹/۶)، انتخاب رهبر توسط خوارج (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۶۰)، فعالیت مخفیانه خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۲۱۸/۶)، برنامه‌ریزی برای قیام (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹۴/۷)، تلاش برای اتحاد با دشمنان حکومت (خلیفه، ۱۴۱۵: ۲۴۷)، تجلیل خوارج از گذشتگان خود (طبری، ۱۳۸۷: ۱۶۶/۵) به دست آمده است.

عملگرایی: منابع بررسی شده اصحاب حدیث ما را به سوی مضامین پایه‌ای مانند اتخاذ تصمیم‌های جمعی (خلیفه، ۱۴۱۵: ۲۴۵)، بیعت خوارج با رهبر به‌عنوان امیرالمؤمنین (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۰۴/۵)، جهاد علیه امویان (طبری، ۱۳۸۷: ۲۶۴/۶)، تأکید خوارج بر شعار حکمیت (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۳۵)، فرماندهی جنگ توسط رهبر خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۲/۶) رهنمون شد که حاصل، مضمون سازمان‌دهنده‌ای به نام عملگرایی خوارج است.

۳,۲. تهدیدات دائمی خوارج برای حکومت

مضمون دیگری که در این پژوهش به دست آمد، تهدیدات دائمی خوارج برای حکومت بود که از چهار مضمون سازمان‌دهنده نمایان شد.

حضور اقسار مختلف در میان خوارج: منابع اصحاب حدیث نشان‌دهنده تعدد قبایل سران

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۱۹۹

خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۱۷۴/۵)، جذب خوارج از قبایل متعدد و افراد مختلف (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۲۷۶/۷)، حضور زنان در میان خوارج (خلیفه، ۱۴۱۵: ۲۴۷) و وجود گرایش‌های مختلف خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۲۱۵/۶) است که مبین حضور اقشار مختلف در میان خوارج است.

گسترده‌گی قلمرو شورش‌ها: این مضمون بر اساس اخباری سازمان‌یافته که دلالت بر حضور و تحرکات خوارج در نقاط مختلف قلمرو اسلامی مانند ایران، عراق، جزیره، حجاز، آفریقا و آذربایجان دارد (خلیفه، ۱۴۱۵: ۲۵۱ و ۲۴۷ و ۲۳۰ و ۲۲۹ و ۱۶۰ و ۱۵۹).

درگیری دائمی با خوارج: سه مضمون پایه‌ای شورش‌های متعدد خوارج از ابتدا تا انتهای عصر اموی (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۷۲)، نبردهای سخت (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۴۱/۶) و طولانی‌مدت (طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۹/۷) حکومت با خوارج نشان از درگیری دائمی حکومت با خوارج دارد. ایجاد هرج و مرج و ناامنی: ثبت اخبار هجوم و ورود خوارج به شهرها و تسلط بر آن‌ها (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۷۰/۶)، قتل و آزار مردم (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۳۵)، ترس مردم و حکومت از خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۳۲۰/۷) و فرار لشکریان و مردم از مقابل خوارج (همان: ۳۹۹/۷) و همچنین بروز اختلاف بین نیروهای حکومت (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶۵/۶) و وجود اختلاف و درگیری میان خود خوارج (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۶۷) بیانگر ایجاد هرج و مرج و ناامنی توسط خوارج است.

۳.۳. سرکوب خوارج با هزینه‌های هنگفت

مضمون دیگری که از تحلیل مضامین اخبار خوارج در میراث تاریخی اصحاب حدیث به دست آمد خود حاصل چهار مضمون سازمان‌دهنده است.

توانمندی حکومت در سرکوب: اصحاب حدیث با نقل اخباری که دلالت بر آگاهی حکومت از تحرکات خوارج (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۶) و توجه به قدرت نظامی آنان (طبری، ۱۳۸۷: ۲۷۷/۶)، گزینش نیروها (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۲۰۲/۵) و استفاده از نیروی کمکی برای تعقیب خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۱۶۶/۵) دارد و همچنین اخباری که نشان‌دهنده مقاومت سرداران و والیان حکومت (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶۵/۶) و مهارت نظامی نیروهای آنان (طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۹/۷) و بهره‌مندی آنان از آرایش نظامی (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴۹/۶) دارد، سیمایی توانمند از حکومت در سرکوب خوارج ترسیم می‌کنند.

تبلیغات حکومت علیه خوارج: اصحاب حدیث همچنین نشان می‌دهند که بخشی از انرژی حکومت در مقابله با خوارج، صرف تبلیغات علیه آنان شده است که شامل مواردی مانند

متهم کردن خوارج به ایجاد تفرقه (طبری، ۱۳۸۷: ۱۸۴/۵)، معرفی خوارج به عنوان دشمن مسلمانان (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۰۲/۵)، خروج شورشیان از دین، گمراه خواندن خوارج (طبری، ۱۳۸۷: ۱۲۰/۶)، توهین امویان به خوارج (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۸۸/۶) است.

تحمیل خسارات و تلفات به حکومت: در منابع اصحاب حدیث اخبار متعددی درباره کشته شدن فرماندهان در نبرد با خوارج (خلیفه، ۱۴۱۵: ۲۲۹)، کشته شدن افراد سرشناس توسط خوارج (فسوی، ۱۴۰۱: ۱۰۷/۳) و میزان تلفات سربازان حکومت در این نبردها (طبری، ۱۳۸۷: ۱۳۳/۷) وجود دارد که در کنار تصرف اموال به عنوان غنیمت توسط خوارج (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۱۷/۶) بیانگر تحمیل خسارات و تلفات به حکومت در جریان سرکوب خوارج است.

سرکوب خشن خوارج: در منابع بررسی شده اصحاب حدیث مشخص شد که امویان در نبردهای خود که منجر به پیروزی بر خوارج می شد به قتل عام، حبس، شکنجه (طبری، ۱۳۸۷: ۵۲۴/۵) و اعدام (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۹۵/۵) خوارج می پرداختند و علاوه بر آن قتل رهبران و بزرگان خارجی (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۷۴) در میدان جنگ نیز نشان دهنده سرکوب خشن خوارج توسط حکومت است.

۳,۴. اسلامی بودن سرکوب خوارج

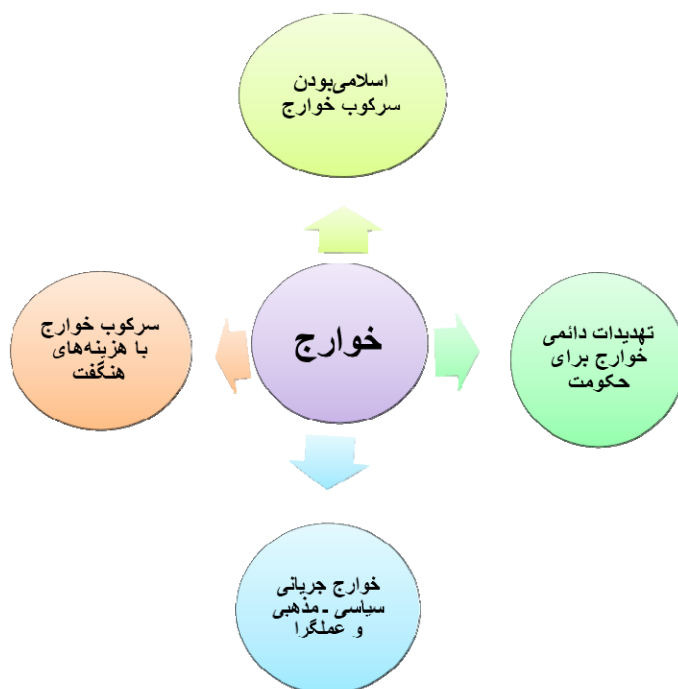
مضمون فراگیری دیگری که از کاوش در میان اخبار خوارج در منابع منتخب اصحاب حدیث به دست آمد اسلامی بودن سرکوب خوارج است که حاصل سه مضمون سازمان دهنده است.

مدیریت سرکوب توسط خلافت: اخبار اصحاب حدیث در این زمینه نشان می دهد که سرکوب خوارج با رهبری و نظارت خلیفه (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۶۶/۷) و مدیریت منطقه ای والیان و به دست سرداران (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۷۲-۱۷۰) صورت می گیرد. در این میان دستگاه خلافت گاهی با خوارج مدارا و مذاکره می کند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۸۹/۵)، اما در عین حال خود عهده دار تأمین نیرو و تجهیزات است (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۹۶/۵) و لشکریان فراوانی را برای این امر تدارک می بیند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۳۴/۷). دستگاه خلافت همچنین برای استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت ها تلاش می کند تا با تهدید و تشویق مردم و لشکریان (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۳۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۳۶/۶) جبهه خود را تقویت کند. بازخواست و مذمت نیروهای ناموفق و قدردانی و تشویق نیروهای وظیفه شناس و موفق (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۴۱/۶ و ۱۱۸-۱۱۷) توسط دستگاه خلافت نشان دیگری از مدیریت سرکوب توسط خلافت به شمار می آید.

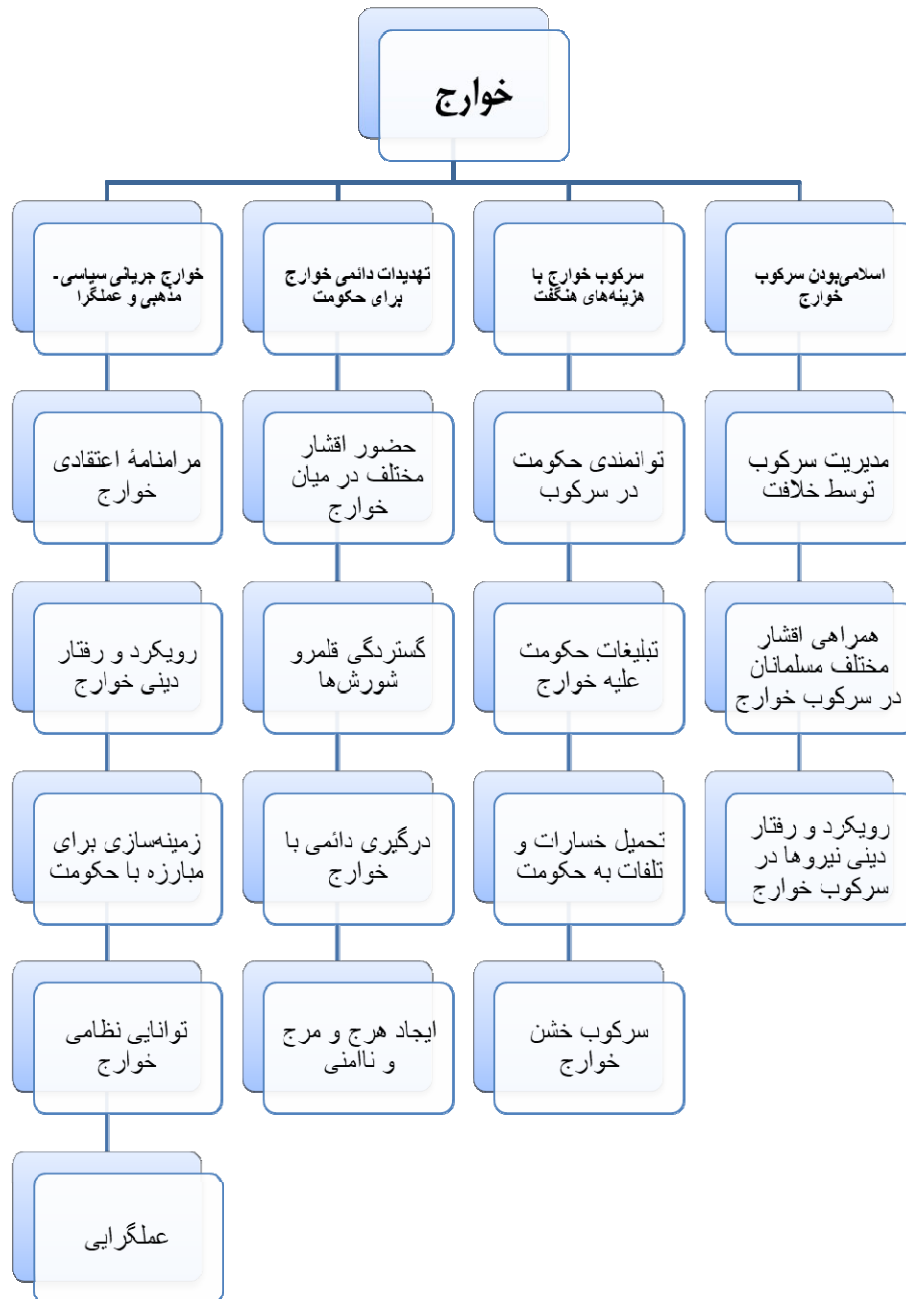
همراهی اقبشار مختلف مسلمانان در سرکوب خوارج: در منابع بررسی شده مشخص شد که اصحاب حدیث اخباری را در آثار خود گرد آورده اند که نشان دهنده مقابله قبایل با خوارج

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۲۰۱

(خلیفه، ۱۴۱۵: ۲۵۶) و همراهی اقشار مختلف مسلمانان (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴۳/۶) در سرکوب خوارج است که این مسئله با حمایت بزرگان جامعه (فسوی، ۱۴۰۱: ۱۰۷/۳) نیز همراه است که در نتیجه همراهی اقشار مختلف مسلمانان در سرکوب خوارج را می‌رساند. رویکرد و رفتار دینی نیروها در سرکوب خوارج: ثبت اخبار توجه نیروهای حکومت به اعمال عبادی (خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۶۴)، استناد این نیروها به قرآن در سخنانشان (طبری، ۱۳۸۷: ۲۵۳/۶) و انتساب سرکوبی خوارج به خدا (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹۴/۶) نشان‌دهنده بیان رویکرد و رفتار دینی نیروهای حکومت در سرکوب خوارج توسط مورخان اصحاب حدیث است.



نمودار ۲. الگوی نهایی پژوهش (منبع: نگارندگان)



قبل از جمع‌بندی مضامین فراگیر در این تحقیق لازم است تا به این نکته پرداخته شود که با توجه به اینکه نقل و تدوین اخبار خوارج توسط اصحاب حدیث در واقع گزارش عملکرد دستگاه خلافت اموی در قبال رقبا و دشمنان داخلی خود است و هر آنچه از این اخبار به ذهن مخاطبان منتقل شود، نسبت مستقیمی با شکل‌گیری ذهنیت مثبت یا منفی ایشان نسبت به عملکرد خلافت در این دوره خواهد داشت. به همین علت برای درک بهتر شبکه مضامین به دست آمده لازم است تا رابطه میان اصحاب حدیث و دستگاه خلافت را در نظر داشته باشیم و توجه کنیم که اغلب علمای اهل سنت در اواخر عصر امویان و عباسیان در صحنه رقابت اعتقادی با فرقه‌های مخالف مانند شیعیان و خوارج برای تقویت جایگاه فقهی و کلامی خویش، خواه‌ناخواه به دستگاه قدرت اموی و سپس عباسی متکی شدند و این اتکا، خواه‌ناخواه در چگونگی رویکرد آنان به قدرت اثری انکارناپذیر داشت. همین اتکا به دستگاه قدرت ایجاب می‌کرد تا آنان میان برخی واقعیت‌های ناهماهنگ و ناسازگار مانند تفاوت حکمرانی این دو خاندان با زمامداری پیامبر(ص) و حتی خلفای راشدین ناچار به چاره‌اندیشی شوند که حاصل آن مشروعیت‌بخشی به دستگاه خلافت اموی و عباسی بود (بنگرید به: زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۹۷-۱۹۶) که آن بخش از اعتقادات ایشان مانند جانشینی خلیفه از پیامبر(ص) و لزوم تبعیت مردم از او، عدم جواز خروج بر حاکم در هر شرایطی، مسئولیت خلیفه برای تعقیب خوارج با موضوع این تحقیق ارتباط داشت بیان شد.

اما این مشروعیت‌بخشی تنها در حیطه باورهای مذهبی به دستگاه خلافت باقی نماند و خود را در عرصه‌های دیگر از جمله تاریخ‌نگاری خصوصاً تواریخ عمومی نشان داد. چینش اخبار تاریخی در آثار اصحاب حدیث که در بخش اسلامی با عصر نبوی آغاز و پس از آن در توالی خود به دوران راشدین و سپس امویان می‌رسد، مشروعیت جانشینی خلفا را در ذهن مخاطبان پی‌ریزی می‌کند به صورتی که برخی با قاطعیت از مشروعیت‌بخشی تاریخ‌های عمومی برای نهاد خلافت سخن گفته‌اند (رابینسون، ۱۳۹۲: ۹۴).

حال با توجه به مسیر طی شده اصحاب حدیث از اتکای نسبی به خلافت برای تثبیت و تحکیم مذهب خویش و غلبه بر رقبای ایدئولوژیک که حتی اقدام به مشروعیت‌بخشی برای خلافت را نیز به دنبال داشته است به درک این شبکه مضامین نزدیک‌تر می‌شویم و می‌توانیم بگوییم که آنچه از کشف چهار مضمون فراگیر مربوط به میراث تاریخی منتخب اصحاب حدیث در این پژوهش به دست آمد که بیانگر اصول چهارگانه حاکم بر این منابع است و شامل معرفی خوارج به عنوان جریان سیاسی- مذهبی و عملگرا، تهدیدات دائمی خوارج برای حکومت، سرکوب خوارج با هزینه‌های هنگفت و اسلامی بودن سرکوب خوارج که در کنار

اینکه سیمایی از اتفاقات مربوط به تحركات خوارج در عصر اموی را نشان می‌دهد، تقویت مشروعیت نهاد خلافت اموی را نیز در نظر دارد و هر یک از این اصول در نهایت مقوم پایه‌های مشروع نشان‌دادن مقابله حکومت با خوارج به‌مثابه یک دشمن داخلی است که فرایند آن از ارتباط میان مضامین سازمان‌دهنده با مضامین فراگیر مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو با درک اهمیت میراث تاریخی اصحاب حدیث و اشراف به نقش تعیین‌کننده گزارش‌های تاریخی آنان از صدر اسلام در ارائه تصویر آن دوران در ذهن پژوهشگران، اخبار خوارج در عصر امویان را گردآوری کرد و با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) درصدد نشان‌دادن مضامین ارائه‌شده توسط اصحاب حدیث در این زمینه بود تا با کشف مضامین عالی در برگرفته اصول حاکم بر متن که به‌مثابه کل است نشان دهد که مخاطبان اصحاب حدیث در مطالعه اخبار خوارج عصر اموی در معرض چه مضامینی قرار دارند.

پس از مطالعه اخبار خوارج در متون منتخب اصحاب حدیث، در مرحله اول جملاتی که در اخبار وجود داشتند تحلیل شد و مضامین درونی آن‌ها استخراج شد که حاصل آن ۹۳ مضمون پایه‌ای بود که در مرحله دوم پس از سازماندهی مجدد و ترکیب و تلخیص مضامین پایه‌ای با یکدیگر، ۱۶ مضمون انتزاعی تر که مضامین سازمان‌دهنده باشند کشف شد و مرحله نهایی مضامین فراگیر که عام‌ترین نوع مضامین موجود در اخبار خوارج بود از مضامین سازمان‌دهنده استخراج شدند.

با تحلیل شبکه مضمونی موجود در این متون به‌الگویی رسیدیم که توضیح‌دهنده منطق کلی و شاکله آن‌ها است و این مضامین عالی در برگرفته اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل است که در قالب چهار گزاره فراگیر بیان شد.

الف. خوارج جریانی سیاسی - مذهبی و عملگرا: این مضمون نشان می‌دهد که خوارج جریانی سیاسی - مذهبی و عملگرا در عصر امویان هستند که دارای اعتقادات دینی و رویکرد اسلامی بوده و برخی از باورهای آنان، این جریان را از دیگر جریان‌های عصر اموی ممتاز می‌کند. زمینه‌سازی خوارج برای مبارزه با حکومت و توانایی نظامی آنان در نبرد تحت رهبری شخصی که او را امیرالمؤمنین می‌دانند اجزای دیگر این مضمون فراگیر است.

ب. تهدیدات دائمی خوارج برای حکومت: این اصل حاکم بر متون بررسی‌شده اصحاب حدیث خطرات و تهدیدات خوارج را برای جامعه نشان می‌دهد که اقشار مختلفی از قبایل

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۲۰۵

متعدد جذب تفکر خوارج شده‌اند و دائماً با حکومت درگیر بوده و در نقاط مختلف جهان اسلام دست به جنایت می‌زنند و اسباب وحشت عمومی را فراهم آورده‌اند. با ارائه این سیما از رفتار خوارج هرگونه برخورد با آنان ضروری تلقی شده و انتظار سرکوب مقتدرانه آن‌ها توسط حکومت امری بدیهی است.

ج. سرکوب خوارج با هزینه‌های هنگفت: این اصل نشان‌دهنده موفقیت حکومت در سرکوب خوارج است که دستگاه خلافت برای نیل به آن هم در بعد نظامی و هم در بعد تبلیغاتی وارد عمل شده است سرانجام توانسته است در تمامی شورش‌های خوارج در این دوره را سرکوب کرده و خطر این تهدیدات دائمی را رفع کند و در این مسیر از اعمال انواع خشونت نیز ابایی ندارد. البته این پیروزی برای خلافت به آسانی به دست نیامده و خوارج خسارات و تلفات سنگین را به حکومت تحمیل کرده‌اند.

د. اسلامی بودن سرکوب خوارج: بنای این مضمون فراگیر که بر پایه مدیریت سرکوب توسط خلافت، همراهی اقلیت مختلف مسلمانان در سرکوب خوارج، رویکرد و رفتار دینی نیروها در سرکوب خوارج است، نشان از سیمای اسلامی سرکوب خوارج دارد.

درک بهتر شبکه مضامین به دست آمده در این تحقیق که در واقع مبین کارنامه امویان در موضوع خوارج است و این مسئله منوط به توجه به ارتباط میان اصحاب حدیث و دستگاه خلافت اموی است که نیک می‌دانیم اصحاب حدیث برای تثبیت موقعیت دینی خود و برتری بر رقبای عقیدتی خود به دستگاه خلافت اتکا کردند و این اتکا منجر به مشروعیت‌بخشی آنان به خلافت شد که به تاریخ‌نگاری نیز سرایت کرد. با توجه به این مسئله درمی‌یابیم که دو اصل خوارج جریانی سیاسی- مذهبی و عملگرا، تهدیدات دائمی خوارج برای حکومت در واقع معرفی خوارج به عنوان جریانی نیرومند و خطرناک است که دائماً حکومت اسلامی و به تبع آن مسلمانان را تهدید می‌کند. با توجه به پایه‌های فکری اصحاب حدیث در عدم جواز قیام علیه خلافت اسلامی و لزوم برخورد خلیفه با این افراد، امویان وظیفه داشتند تا به دفع خطر آنان بپردازند؛ زیرا این عملگرایی خوارج در برابر امویان منجر به اقدام علیه دستگاه خلافت و ناامنی بلاد اسلامی می‌شد.

دو اصل سرکوب خوارج با هزینه‌های هنگفت و اسلامی بودن سرکوب خوارج نشان می‌دهد حکومت اموی بر اساس وظیفه خود سرانجام با تحمل هزینه‌های هنگفت موفق به سرکوب خوارج شده و اعمال او در این مسیر مشروع و اسلامی است و می‌توان گفت باورهای اصحاب حدیث به خلافت در ثبت اخبار مربوط به خوارج نقش داشته است.

منابع

- ابن جوزی، ابوالفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲ق) *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، به تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (۱۴۰۳ق) *الاحکام فی اصول الاحکام*، به تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
- ابن خیاط، ابو عمرو خلیفه بن خیاط (۱۴۱۵ق) *تاریخ خلیفه بن خیاط*، به تحقیق حکمت کشلی فواز و مصطفی نجیب فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فراء حنبلی، ابی یعلی محمد بن حسین (۱۴۲۱ق) *احکام السلطانیه*، به تصحیح محمد حامد الفیقی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آقاجری، سید هاشم؛ حاتمی، امیر حسین (۱۳۹۳) «روش اسنادی و گذار از آن در تاریخ نگاری اسلامی»، *تاریخ نگری و تاریخ نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، سال ۲۴، شماره ۱۳، ۳۱-۵.
- بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۴۰۹ق) *الفرق بین الفرق*، به تحقیق محمد عثمان الخشت، قاهره: مکتبه ابن سینا.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۹) «اصحاب حدیث»، در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۹، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید (۱۳۹۶) *اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی*، تهران: نگاه دانش.
- رابینسون، جیس اف (۱۳۹۲) *تاریخ نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الویری، تهران: سمت.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۵) «خلیفه و خلافت در اندیشه اهل سنت و زیرساخت های تحول امامت و خلافت به سلطنت آسمانی و خلیفه الهی»، *خردنامه*، شماره ۱۶، ۲۰۴-۱۵۵.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۲) *الانساب*، به تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۱۴ق) *الملل و النحل*، به تحقیق امیر علی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت: دارالمعرفه.
- شیخ زاده، محمد؛ عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال ۵، شماره ۲، ۱۹۸-۱۵۱.
- صابونی، اسماعیل بن عبدالرحمن (۱۴۱۹ق) *عقیده السلف و اصحاب الحدیث*، به تحقیق ناصر بن عبدالرحمن بن محمد الجدید، ریاض: دارالعاصمه.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق) *تاریخ الامم و الملوک*، به تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- فسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱ق) *المعرفه و التاریخ*، به تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت: مؤسسه الرساله.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۲۰۷

لالکائی، حسن‌بن منصور طبری (۱۴۲۲ق) شرح اصول اعتقاد اهل السنه و الجماعه، به تحقیق ابویوب نشات‌بن کمال مصری، اسکندریه: دار البصیره.

ناجی، محمدرضا (۱۳۹۰) «خوارج»، در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد ۱۶، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۲۶۹-۲۵۷.

Attrid-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", Qualitative Research, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.

Patton, M.Q. (1990), Qualitative evaluation and research methods, Thousand Oaks, CA: Sage.

List of sources with English hand writing

- Aghajari, Seyyed Hashem; Hatami, Amir Hossein (2013) "Tradition method and transition from it in Islamic historiography", Historical perspective and historiography, Alzahra University (S), year 24, number 13, 5-31.
- Baghdādī, Abd al-Qāhīr (1409 AH) *Al-Farq baīn Al-Fīraq*, researched by Mohammad Osman al-Kasht, Cairo: Ebn Sīnā.
- Ebn Farā' Ḥanbalī, Abī Ya'ī Moḥammad b. Ḥosseīn (1421 AH) *Aḥkām al-Soltānīyyah*, corrected by Mohammad Ḥamīd al-Fiḳī, Beirut: Dār al-Kotob al- Elmīyyah.
- Ebn Ḥazm Andalūsī, 'Alī b. Aḥmad (1403 AH) *al-Aḥkām fī Uṣūl al- Aḥkām*, researched by Ahmad Mohammad Shakir, Beirut: Dar al-Āfāq Al-jadīdah.
- Ebn jūzī, Abūl Farraj Abd al-Raḥmān b. 'Alī b. Moḥammad (1412 AH), *al-Montazīm*, researched by Mohammad Abd al-Qader Atta and Mustafā Abd al-Qader Atta, Beirut: Dār al-Kīṭāb al-Elmīyyah.
- Ebn kayāt, Abū 'Amr kalīfat b. kayāt (1415 A.H.), *Tārīk-e kalīfat b. kayāt*, researched by Hikmat Kashli Fawaz and Mostafa Najib Fawaz, Beirut: Dar al- Dār al-Kīṭāb al-Elmīyyah.
- Fasawī, Abū Yūsuf Yaḳūb b. Sofīyān (1401 AH) *al-Ma'rīfa wa al-Tarīk*, researched by Akram Zia Al-Omari, Beirut: Al-Rasalah Institute.
- Khanīfar, Hossein; Moslemi, Nahid (2016) *Principles and basics of qualitative research methods*, Tehran: Negāh-e Dāneš.
- Lalīkā'ī, Ḥasan b. Manṣūr Tabarī (1422 AH) *ṣarḥ al-Oṣūl Itīqād Ahl al-Sona al-ḡamā'a*, researched by Abu Ayyub Nashat b. Kamal Masri, Alexandria: Dār al-Baṣīra.
- Najī, Mohammad Reza (1390) "Khawarij", in the Islamic World Encyclopedia, under the supervision of Gholam Ali Haddad Adel, volume 16, Tehran: Islamic Encyclopaedia Foundation, 257-269.
- Pakatchi, Ahmad (1379) "Aṣḥāb-e Ḥadīṭ", in the Great Islamic Encyclopedia, under the supervision of Mohammad Kazem Mousavi Bejnoordi, volume 9, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopaedia.
- Robinson, Chase F. (2012) *Islamic Historiography*, translated by Mohsen Alviri, Tehran: Samt.
- Ṣāboūnī, Isma'īl b. 'Abd al-Raḥmān (1419 AH), *'Aḳīdat al-Salaf wa Aṣḥāb al-Ḥadīth*, researched by Nasser b. 'Abd al-Rahman b. Mohammad Al-Jadi, Riyadh: Dār al-'Āṣīma.
- ṣahreṣṭānī, Moḥammad b. 'Abd al-Karīm (1414 A.H.) *Mīllal wa al-Nīḥal*, researched by Amir Ali Mahna and Ali Hasan Fa'our, Beirut: Dār al-Ma'rīfa.
- Sam'ānī, Abū Sa'eed 'Abd al-Karīm b. Mohammad (1382) *Al-Ansāb*, researched by Abd al-Rahman b. Yahya Al-Moalemi Al-Yamani, Hyderabad: Majlis of the Ottoman Encyclopaedia.
- Sheikhzadeh, Mohammad; Abedi Jafari, Hassan; Taslimi, Mohammad Saeed; Faḳīhi, Abolhasan (2018) "Thematic analysis and thematic networks: a simple and efficient method for exploring patterns embedded in qualitative data municipalities)", *Strategic Management Thought*, Year 5, Number 2, 151-198.
- Tabarī, Abū ja'far Moḥammad b. jarīr (1387 AH) *Tarīk al-Omam wa al-Molūk*, researched by Mohammad Abu Al-Fazl Ibrahim, Beirut: Dār al-Tarath.
- Zargarinejad, Gholamhossein (2015) "Caliph and Caliphate in Sunni Thought", *Kheradnameh*, No. 16, 155-204.

English Source

- Attrid-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
- Patton, M.Q. (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.



A Thematic Analysis of Kharijite Narratives of the Umayyad Era (41-132) in the Historical Sources of the Companions of Hadith¹

Muhammad Hussein Kazemi²
Zahra Rouhalemini Amiri³

Received: 2022/07/01
Accepted: 2022/10/03

Abstract

The present study attempts to answer the question "What themes do the Hadith Companions present to the audience in recording the Kharijite narratives?" by understanding the value of the historical heritage of the Hadith Companions and its influence on the consciousness of the audience of these works on the subject of the Kharijites of the Umayyad era and with the aim of discovering the thematic network in these texts and to achieve a pattern that explains their general logic. First of all, the historical heritage of Hadith scholars in this field was studied, and among the existing works are, *Tarikh Khalifa Bin Khayyat* (Ibn Khayyat 240 AH), the remains of *AL-Ma'refa Va Tarikh* (Faswi 277 AH), *Tarikh al- Umam Va al-Molouk* (Tabari 310 AH), *al-Montazam fi Tarikh al- Umam Va al-Molouk*, (Ibn Jawzi 597 AH) were selected and the data related to the Kharijite narratives were extracted from them. Then the data analysis method was carried out with its various steps to analyze the data and discover the themes hidden in the selected sources, which led to the discovery of four themes; the political-religious and pragmatic current, the Kharijites constant threats to the government, the Kharijites' oppression at great cost, and the Islamic character of the Kharijite repression. And these themes are against the suppression of the Kharijites, according to the approach of the hadiths to the caliphate, to legitimize the behavior of the Umayyads.

Keywords: Companions of Hadith, Kharijites, Umayyads, Thematic analysis, Historiography.

1. DOI: 10.22051/hph.2022.40760.1613

2. PhD student of Islamic History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. (Correspondent Author) kmohamadhosein@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History and Civilization, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. z.rooholahiamiri@yahoo.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507